



مترجم: Luka Chan

کلینر: Luka Chan

تایپ: Luka Chan

TELEGRAM:

[T.ME/IRISEKAI](https://t.me/IRISEKAI)

WEB:

IRISEKAI.BLOGFA.COM

INSTAGRAM:

[INSTAGRAM.COM/IRISSEKAI](https://www.instagram.com/IRISSEKAI)

RUBIKA:

RUBIKA.IR/IRISEKAI

PLEASE DO NOT REPOST ON INSTAGRAM

IF YOU DO, I WILL BE FORCED TO STOP TRANSLATING!

BE SURE TO FOLLOW MY RELEASES ON MANGADEX

مراقبہ نہ سرخ باش

MANHWA CUMIN (큐민)

ARRANGEMENT SHIN JI-SANG (신지상)

ORIGINAL NOVEL CHEON-JIAN (천지안)

ENGLISH SCANLATION MATCHAMANGO

CHAPTER 8



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/IriSekai/



IriSekai191008@gmail.com

نخ سرخ...

نخی که من و آبل رو
به هم متصل کرده.

چی هیشه اگه من
اینجوری بهیرم؟

آبل...

چی به سرش هیاد؟



چرا اون به
هوش نمیاد!!



جون بكن يه غلطى
بكن تا همتونو
نفرستادم سينه
قبرستون!!





بس کن،
من خوبم.

لیان!

HOLD

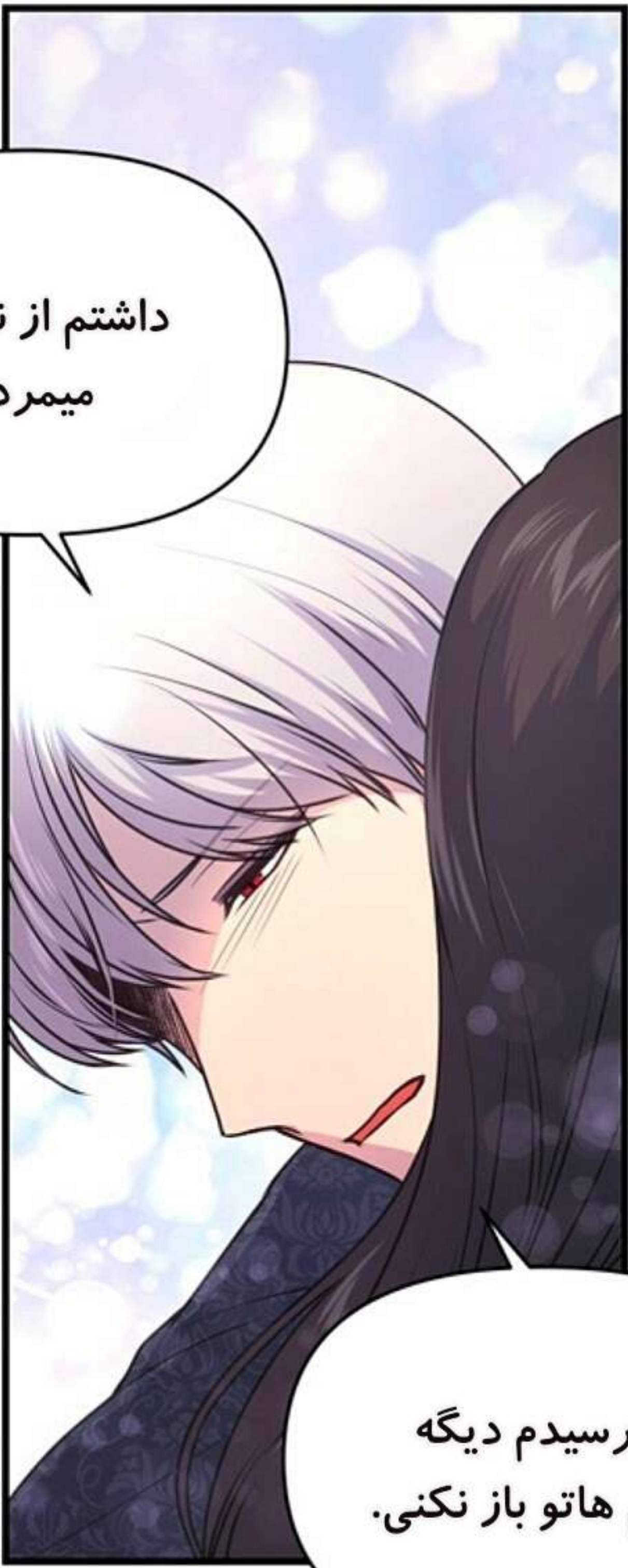
نگه داشتن

حالت خوبه؟



آره، خوبم...





داشتم از نگرانی
می‌مردم.

میترسیدم دیگه
چشم‌هاتو باز نکنی.



چه اتفاقی
افتاد؟






وقتی که من
مردم رو درمان
میکنم،

همزمان دردشون
رو هم حس میکنم،





البته، این درد
ها بعدا كاملا از
بين ميرن.

ولى، اون لحظه، منم
مثل كسى كه آسيب
ديده، آسيب مي بينم.



چرا اینو بهم
نگفتی!!

بلند
GETS

شماره
VIP

دختره ی
خنگ!





روحم خبر
نداشت...



هاه. اگر می‌گفتی
کاری از دستمون
بر نمی‌ومد.

پس،



تو تمام زجری که این
مدت می کشیدی رو
مخفی کردی؟



کودن
عقده!!!!

داد زدن

내려



یگانه اسک
اینجا تویی.



توی رمان،
حداقلن.



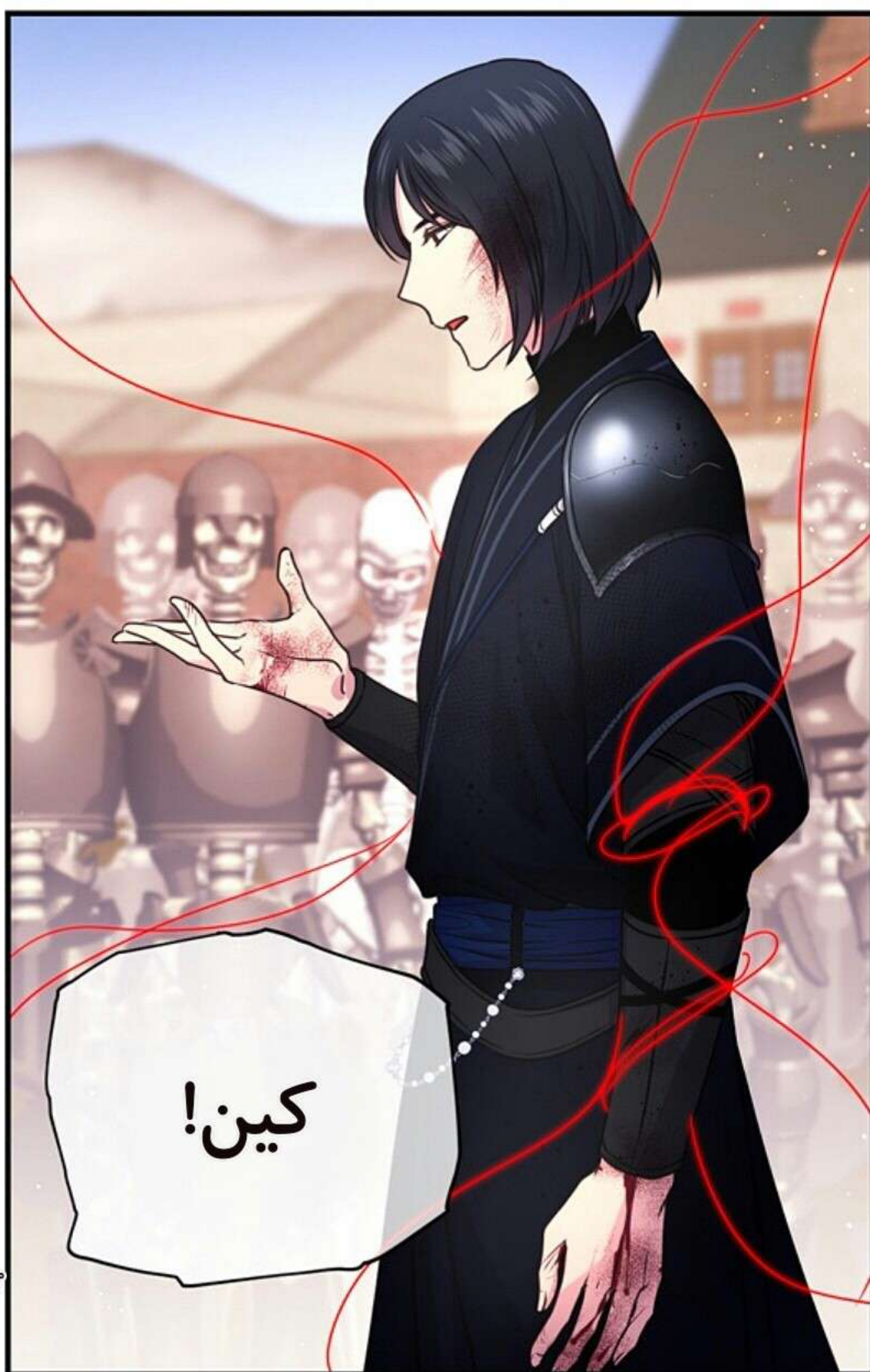
روز بعد -

مُحلی دلو اِپس
پودم نَکَنه پمیری!

قدم
STEP

چی میگه؟!

یهو بغلمم کرد...
شوکه شدم -



م/ت: اسم پسر مون از
کارین به کین تغییر
کرده، امیوارم دیگه
عوض نشه XD



زخمی شدی؟

آه،
کاهنه لیان.

اوه، خدای من! این
زخمها رو ببین!

وای
gasp

چیزی نیست.

پاڙم اون لپڻند...

کين، چطور ميتوني
پا وجود اپنا هنوزم
پڻدي؟

حتی با اینکه در
حین انجام مأموریتی
توسط لرد آزادند،

کارین تصادفا خانوادشو
به خاطر نفرین آبل از
دست داد، با اینحال،
اون بازم به دوستی با
آبل وفادارانه و صادقانه
ادامه داد.

باید برایش
دردناک بوده باشه
که توی این معبد
بهونه.



نمیخواه انتقد به
خودت فشار بیاوری.

نه، لطفا... بانو.

اگه لرد آبل
بو ببره...

هاها
haha



تو خودتو درمان
نمیکنی و دردم که
ازم قایم میکنی.



آبل این دورو
بر نیست.

اصلا نیازی نیست که
کمکم رو رد کنی.

ولی ش - شما برای چند
روز بیهوش بودین بعد از
درمان یکی از سربازا...



اوم...
uhm...



لرد آبل خیلی
نگرانتون بود.

میشه بحث راجب
اونو تموم کنیم؟

آه
SIGH

این در مورد
اون نیس.

فقط نمیتونم
نادیده بگیرم



کسی رو که
بهم نیاز داره.





شگفت زده شدم.

خبر داشتم درمانگر بی نظیری
هستین ولی، نمیدونستم به این
سرعت منو خوب میکنین.



حتی کاپیتان اسکلت
ها هم به تواناییتون
افتخار میکرد.



این که چیزی
نیست. منم مثل بقیه.

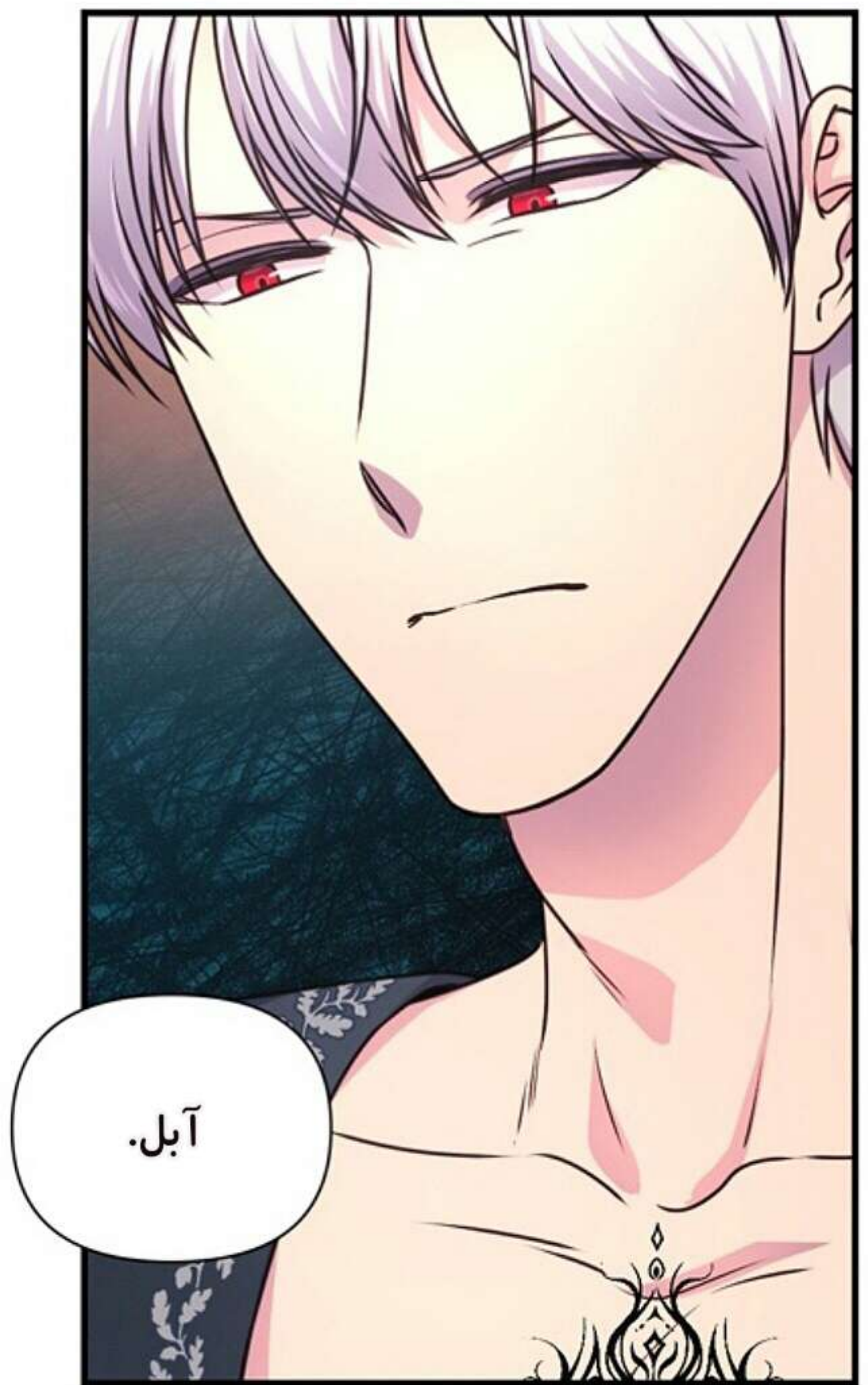


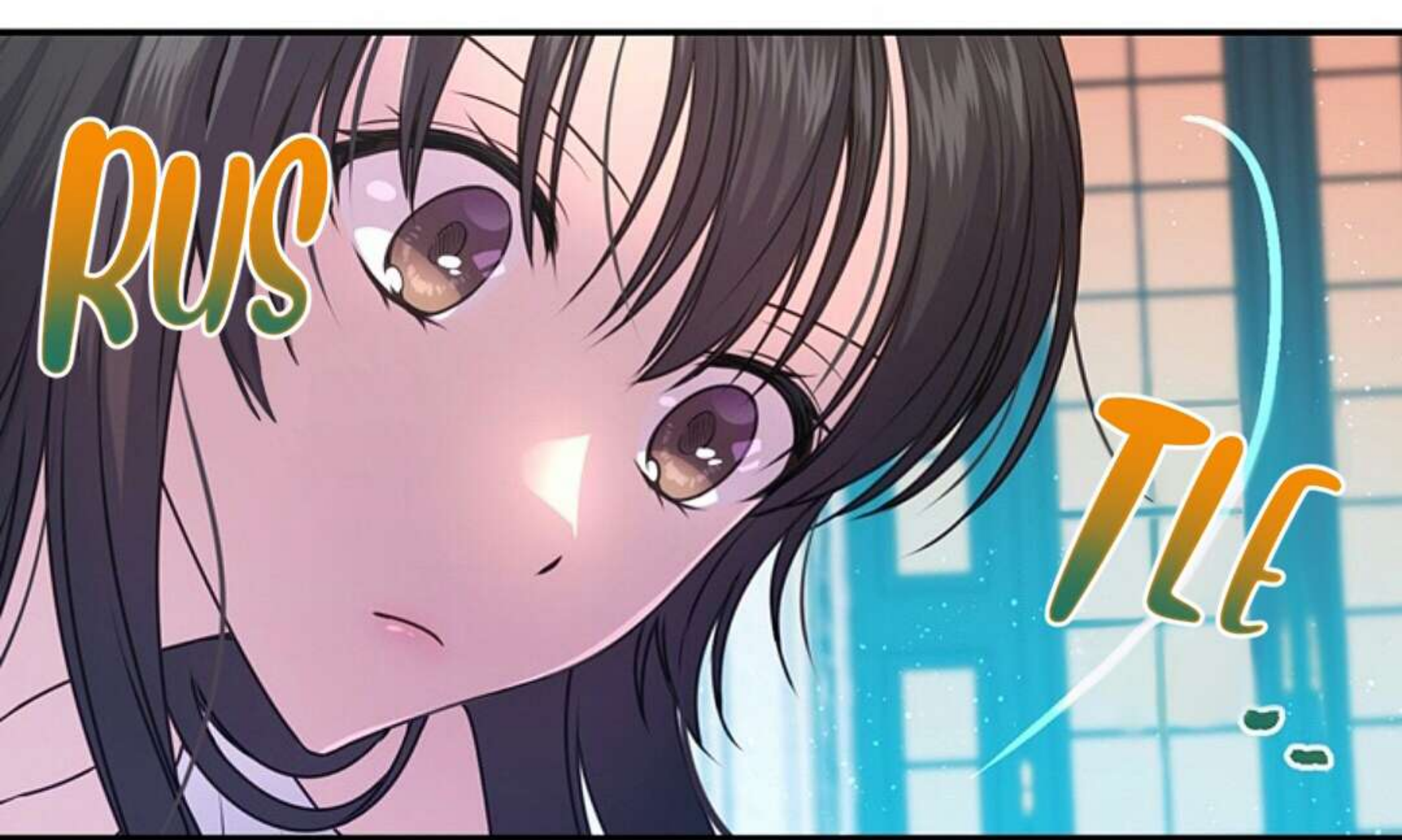
اوھو ھو ھو؟



اون چی بود؟

یه بار هم اون مدل
صدا رو ازت نشنیدم.









اگه يه بار ديگه
نزدیک کين بشی...
می کشمت.

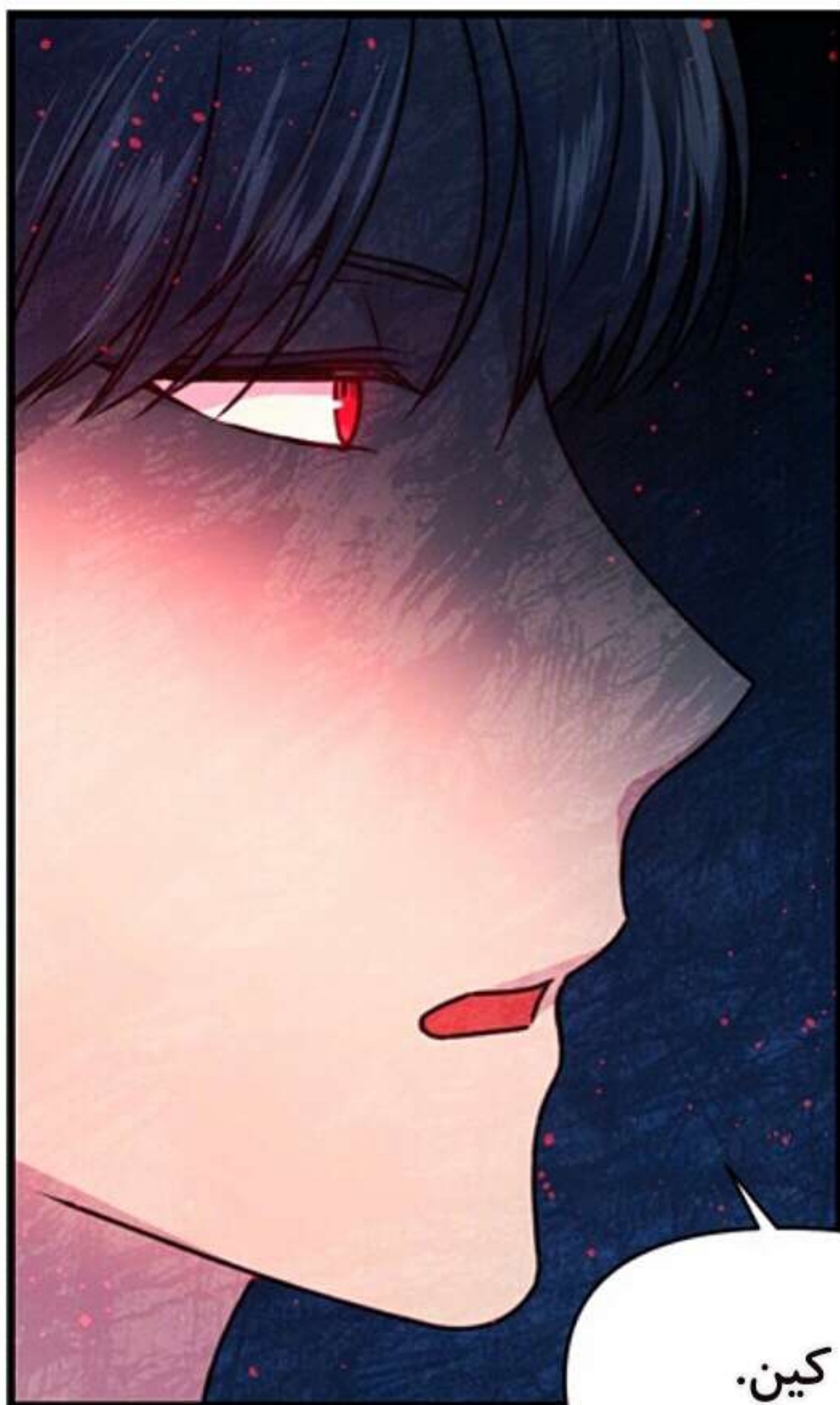
یواش
mutter



چی میگی داداش مخت
عیب کرده؟ ما نمیتونیم
همدیگه رو بکشیم-

تو رو نه.





کین.

م/ت: (kain)



!!!

CARIN IS SO CUTE O_O I HOPE WE CAN
SEE MORE OF HIMM SO I CAN SIIIMP
OVER THAT BOYYYYY

YES, I KNOW THESE CHAPTERS ARE
SHORT. NO, I'M NOT MISSING ANY
PANELS LMAO.

-MATCHAMANGO

مراقبہ نہ سرخ باش



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/IriSekai/



IriSekai191008@gmail.com